

آیا رسول خدا (ص) در اتاق عائشه دفن شده است ؟

سؤال کننده : سید سجاد

پاسخ اجمالی :

1. در خصوص محل دفن پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم اختلاف نظر وجود دارد .
2. اهل سنت بر این عقیده است که آن حضرت در حجره عائشه دفن گردیده است .
3. اما برخی از محققان شیعه بر این اعتقاد هستند که به شهادت اسناد معتبر از کتب اهل سنت آنچه که قدر متیقن است این است که آن حضرت در حجره عائشه دفن نگردیده است و در این راستا ادله ای را ارائه می کند که در پاسخ تفصیلی به آن اشاره می شود .
4. مناظره زیبایی که بین فضال شاگرد مکتب امام صادق با ابو حنیفه صورت گرفته است و در آن به غصبی بودن مکان دفن عمر و ابوبکر اشاره گردیده .

پاسخ تفصیلی :

در خصوص محل دفن نبی اکرم صلی الله علیه و آله وسلم اختلاف نظر وجود دارد :

1. نظر اهل سنت :

آنچه که در نزد اهل سنت مشهور است این مطلب است که آن حضرت در حجره عائشه دفن گردیده و برای اثبات ادعای خویش به نقل بخاری از عائشه استناد می کنند که :

قَالَتْ عَائِشَةُ لَمَّا ثَقُلَ النَّبِيُّ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - وَاسْتَدَّ وَبَعَهُ اسْتَأْذَنَ أَزْوَاجَهُ أَنْ يُمَرَّضَ فِي بَيْتِي فَأَذِنَ لَهُ ، فَفَرَجَ بَيْنَ رِجْلَيْهِ تَمْطُ رِجْلَاهُ الْأَرْضَ ، وَكَانَ بَيْنَ الْعَبَّاسِ وَرِجْلِي آخِرَ . قَالَ عُبَيْدُ اللهِ فَذَكَرْتُ ذَلِكَ لِابْنِ عَبَّاسٍ مَا قَالَتْ عَائِشَةُ فَقَالَ لِي وَهَلْ تَدْرِي مَنْ الرَّجُلُ الَّذِي لَمْ تُسَمِّ عَائِشَةُ قُلْتُ لَا . قَالَ هُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ .

صحیح بخاری ، ج 1 ، ص 162 ، ح 665 .

وچون پیامبر امساس سنگینی نمود و درد آن مضرت شدت یافت از دیگر همسرانش اجازه فواست تا ایام بیماریش را در منزل من سپری نماید و آنان نیز اجازه دادند ، آنگاه در حالی که دست بر شانه عباس و شفص دیگری داشت و پاهایش بر زمین کشیده می شد فارغ شد .

عبد الله ابن عباس می گوید وقتی مطلب عائشه را برای ابن عباس نقل کردم به من گفت می دانی آن شفصی که

عائشه نام او را ذکر نکرد چه کسی است ؟ گفتم : نه . گفت : او علی بن ابی طالب است .

البته بخاری این مطلب را در چند جای صحیح خود تکرار نموده است که تماماً از عائشه نقل شده و برای اثبات ادعایش تفصیلاتی را ذکر نموده که از لا به لای آنها می توان به تناقضاتی پی برد که خود قرینه ای برای تضعیف مطلب محسوب می شود که اکنون مجال بحث آن نیست .

همین جا لازم است از متن روایت فوق اکراه معنا دار عائشه از بردن نام امیر المومنین علی ابن ابی طالب علیه افضل صلوات المصلین را متذکر شویم ؛ همانگونه که احمد بن حنبل نقل کرده:

هُوَ عَلِيٌّ وَلَكِنَّ عَائِشَةَ لَا تَطِيبُ لَهُ نَفْسًا .

آن شفص (که در روایت عائشه به نام آن اشاره نمی شود) علی بن ابی طالب است که عائشه فوش نداشته نام او را ذکر نماید .

مسند أحمد حنبل ، ج 6 ، ص 228 .

وهم چنین ابن سعد در طبقات آورده:

هو علی ، إن عائشة لا تطيب له نفسا بغير .

آن شفص (که در روایت عائشه به نام آن اشاره نمی شود) علی بن ابی طالب است لکن عائشه فوش نداشته نام او را به نیکی یاد کند.

الطبقات الكبرى ، ج 2 ، ص 232 .

2 . نظر شیعه :

نظر برخی از محققان شیعه این است که حضرت رسول در حجره عائشه دفن نگردیده است ؛ چون :
اولاً : هر گاه گفته می شود : بیت النبی ، حجره النبی ، دار النبی ، مقصود خانه و حجره اختصاصی حضرت می باشد و الا آن را به اسم یکی از همسران مثلاً خانه عائشه یا خانه ام سلمه و غیره می نامیده اند.

أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يُصَلِّي ذَاتَ لَيْلَةٍ فِي مُجْرَتِهِ فَبَاءَ أَنَسٌ فَصَلَّوْا بِمَلَاتِهِ فَفَفَّ فَذَفَلَ الْبَيْتَ

شبی رسول اکرم در مجره فود نماز میخواند که گروهی آمدند و پشت سر حضرت اقتدا نمودند از اینرو حضرت نماز فود

را سرپعتر خواند و داخل خانه فود گردید .

مسند أحمد ، ج 3 ، ص 103 ، ح 11567

عن ربيعة بن كعب الأسلمي : كنت أبيت عند مجرة النبي فكنت أسمعها إذا قام من الليل يقول : سبحان الله رب العالمين .

ربيعه می‌گوید : شبی را در مجره رسول اکرم سپری کردم ...

سنن النسائي ، ج 3 ص 209

ثانياً: نزدیک ترین خانه ها به خانه رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم خانه حضرت علی علیه السلام بوده که درب آن در کنار خانه رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم قرار داشته است.

جاء رجل إلى ابن عمر فسأله عن عثمان ... ثُمَّ سَأَلَهُ عَنْ عَلِيٍّ ، فَذَكَرَ مَمَاسِنَ عَمَلِهِ قَالَ هُوَ ذَاكَ ، بَيِّنَةٌ أَوْسَطُ بُيُوتِ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - . ثُمَّ قَالَ لَعَلَّ ذَاكَ يَسْئَلُوكَ . قَالَ أَجَلٌ . قَالَ فَأَزْعَمَ اللَّهُ بِأَنْفِكَ ، أَنْطَلِقُ فَأَهْدُ عَلَى مَهْدِكَ .

شخصی نزد ابن عمر آمد و راجع به عثمان سؤال کرد ، سپس در باره علی از او سؤال نمود و او از مماسن و نیکی اعمال علی سخن گفت و افزود : فانه علی نزدیک ترین فانه ها به فانه پیامبر است . واز او سؤال کرد : شاید این مطلب پندان فوشایند تو نباشد ؟ گفت : آری . گفت : ولی علی (غم میل باطنی تو این چنین است .

صحیح بخاری ، ج 4 ، ص 208 ، ح 3704

رواية العلاء بن عيزار قال : سألت ابن عمر عن علي . فقال : انظر الى منزله من نبي الله ليس في المسجد غير بيته .

علاء بن عيزار می‌گوید :از فرزند عمر در باره علی سؤال کردم گفت :به منزل علی نسبت به منزل رسول خدا بنگر که هیچ منزلی به نزدیکی منزل او به رسول خدا نیست .

فتح الباری ج 7 ، ص 59

ثُمَّ قَالَ إِلَّا أَمَدَّتْكَ عَنْ عَلِيٍّ ؟ هَذَا بَيْتُ رَسُولِ اللَّهِ فِي الْمَسْجِدِ وَ هَذَا بَيْتُ عَلِيٍّ .

این فانه رسول خدا و این هم فانه علی .

مستدرک حاکم نیشابوری ، ج 3 ، ص 51

پس استفاده می شود که خانه حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه سلام الله علیها نزدیک ترین خانه به خانه پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم بوده

و البته برای حضرت فاطمه سلام الله علیها در خانه رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم نیز حجره ای جدا گانه وجود داشته که همچنان تا امروز به اسم آن حضرت در مسجد النبی باقی مانده است .

ثالثاً: با استناد به مصادر اهل سنت وفات رسول خدا در حجره اختصاصی و در منزل خود آن حضرت بوده است :

در حدیث عمر راجع به مکانی که پیامبر در آن قبض روح گردید آمده است :

فبینما نحن فی منزل رسول الله إذا رجل ینادی من وراء الجدار أن أفرج إلى یا ابن الفطاب . . . فإن الأنصار اجتمعوا فی سقیفة بنی ساعده ، فأدرکوهم قبل أن یمدثوا أمرا . . .

در حالی که ما در خانه رسول خدا بودیم شخصی از پشت دیوار خانه حضرت صدا زد : ای عمر بن فطاب ! خارج شو ... که انصار در سقیفه بنی ساعده گرد هم آمده اند ، به آنها بپیوند قبل از آن که اتفاقی بیافتد ...

فتح الباری ، ج 7 ، ص 23 ، تاریخ دمشق ، ج 30 ، ص 282 ، وفی روایة ابن حبان ، ج 2 ، ص 155

رابعاً : اعتراف عائشه بر مطلبی که دلالت می نماید وفات رسول خدا در حجره او نبوده است :

« لقد نزلت آیه الرجم ورضاعه الکبیر عشرا ولقد کانت فی صمیفة تمت سریری ، فلما مات رسول الله وتشاغلنا بموته دفل داجن فأکلها ! »

آیه رجم وایجاد رضاع به ده بار شیر دادن نازل شد و من آن را در صمفه کاغذی زیر تفت فود نگه داری می کردم اما در روزی که مشغول امورات مربوط به وفات رسول خدا بود یم گوسفندی دافل مجره شد و آن را خورد .

سنن ابن ماجه ، ج 1 ، ص 625 ، أوسط الطبرانی ، ج 8 ، ص 12 ، مسند أبی یعلی ، ج 8 ، ص 64 ، المحلی ، ج 11 ، ص 236 ، وقال : هذا حدیث صحیح . وفی لسان العرب ، ج 7 ، ص 33 ، ونهاية ابن الأثیر ، ج 2 ، ص 87 .

که از متن فوق استفاده می شود که اگر بیماری حضرت و وفات رسول خدا در حجره عائشه اتفاق افتاده بود دیگر امکان نداشت در همان روزی که حجره او مملو از جمعیت است گوسفندی داخل حجره شده و آن صفحه کاغذ را بخورد .

خامساً: متون مختلفی بر این مطلب شهادت می دهد که حجره رسول خدا دو در داشته که وقتی مسلمانان می خواستند بر پیکر مطهر رسول خدا نماز گذارند گروه گروه از یک در داخل و از در دیگر خارج می شدند در حالی که همان گونه که در دلیل بعد معلوم می گردد خانه عائشه فقط یک در داشته آن هم در جهتی غیر از جهتی که خانه مستقل حضرت قرار داشته است

قَالُوا كَيْفَ نُصَلِّي عَلَيْهِ قَالَ ادْمُلُوا أَرْسَالَ أَرْسَالَ قَالَ فَكَانُوا يَدْفُلُونَ مِنْ هَذَا الْبَابِ فَيُصَلُّونَ عَلَيْهِ ثُمَّ يَفْرُبُونَ مِنْ الْبَابِ الْآخَرَ .

و چون رسول خدا قبض روح گردید گروهی گفتند : چگونه بر آن حضرت نماز گذاریم ؟ در جواب گفتند : گروه گروه از این در وارد شده و نماز گذارده و از درب دیگر خارج شوند .

مسند أحمد ، ج 5 ، ص 81 ، ح 19838 و تاریخ دمشق ، ج 4 ، ص 296 ، أسد الغابة ، ج 5 ، ص 254 .

هیثمی بعد از نقل روایت می گوید :

ورجالة رجال الصمیع .

سادساً: حجره عائشه به خلاف خانه رسول خدا یک در داشته آن هم در جهت مواجهه با شام یعنی درب آن در مقابل جهت شام بوده است (یعنی در ضلع جنوبی مسجد و طرف قبله که درب آن به سوی مسجد باز می شده است)

فسألته عن بيت عائشة فقال: كان بابها من وميهة الشام فقلت: مصراعا كان أو مصراعين؟ قال: كان بابا واحدا.

قلت: من أي شيء كان؟ قال: من عرعر أو ساج.

از او در باره خانه عائشه سؤال کردم گفت: یک در بیشتر ندارد و آن هم مواجهه با شام است ...

الأدب المفرد للبخاری، ص 168 و إمتاع الأسماع، ج 10 ص 92 و سبل الهدى، ج 3، ص 349 و سمط النجوم العوالی، ص 218.

از کلام فوق به چند مطلب دیگر نیز می توان پی برد:

الف: آن بخش از حدیث که می گوید: «در باره مکان حجره عائشه سؤال نمودم» دلالت بر این مطلب دارد که سائل یقین داشته که حجره عائشه همین مکانی که امروزه به عنوان مدفن پیامبر می شناسند نمی باشد فلذا از مکان حجره عائشه سؤال می کند.

ب: از روایت مشخص می شود که جهت شامی مسجد همان جهت شمالی مسجد می باشد.

سابعاً: مطلبی را که بخاری و احمد و طبقات از انس بن مالک خادم رسول خدا نقل کرده اند و در آن ولیمه و میهمانی منزل رسول خدا به مناسبت ازدواج حضرت با زینب بنت جحش را توصیف می کند که از آن استفاده می شود فاصله مکان پذیرائی در حجره اختصاصی رسول خدا از میهمانان و خانه عائشه فاصله نسبتاً قابل توجهی بوده و خانه عائشه خارج از مسجد قرار داشته است که بعد از صرف غذا حضرت به طرف خانه عائشه می روند اما بعد متوجه می شوند که هنوز بعضی از میهمانان سنگین شده و در حجره رسول خدا آرمیده اند لذا رسول خدا مجدداً از در حجره عائشه به در حجره اختصاصی خود باز می گردند و آن گاه است که آیه حجاب نازل می شود که ای اهل ایمان ... هنگامی که برای میهمانی به منزل رسول خدا دعوت شدید اجابت کرده و پس از تناول طعام خارج شده و به منزل خود بروید. (احزاب/ 52)

فَمَشَى رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - وَمَشَيْتُ مَعَهُ مَتَى جَاءَ عَتَبَةُ مَجْرَةَ عَائِشَةَ، ثُمَّ طَنَّ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - أَنَّهُمْ فَرَجُوهَا فَرَجَعَ وَرَبَعْتُ مَعَهُ، مَتَى دَفَلَ عَلَى زَيْنَبَ فَإِذَا هُمْ جُلُوسٌ لَمْ يَتَفَرَّقُوا، فَرَجَعَ رَسُولُ اللَّهِ -

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - وَرَبَعْتُ مَعَهُ، مَتَى بَلَغَ عَتَبَةُ مَجْرَةَ عَائِشَةَ، فَطَنَّ أَنْ قَدْ فَرَجُوهَا، فَرَجَعَ وَرَبَعْتُ مَعَهُ، فَإِذَا هُمْ

قَدْ فَرَجُوهَا، فَأَنْزَلَ آيَةَ الْمِجَابِ، فَضَرَبَ بِيْنِي وَبَيْنَهُ سِدْرًا

پس رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم رفت و من هم با او رفتم تا این که به آستانه حجره عائشه رسیدیم...

ثامناً: عائشه بعد از وفات رسول خدا حجره خود را به معاویه فروخت لذا حجره محل دفن رسول خدا نمی تواند همان حجره عائشه که به فروش رسیده است باشد .

واشتری (معاویه) من عائشه منزلها ، یقولون بمائه وثمانین ألف درهم ویقال بمائتی ألف درهم وشرط لها

سکناها میاتها

معاویه منزل عائشه را به صد و هشتاد هزار درهم و بعضی گفته اند به دویست هزار درهم خریداری نمود

مشروط به این که عائشه تا آخر عمر در آنجا سکونت داشته باشد

الطبقات الكبرى ، ج 8 ، ص 165

نتیجه گیری نظر :

نتیجه این که منزل رسول خدا که در متون فوق آمده همان حجره ای است که در خانه اختصاصی حضرت بوده و حضرت در آن وفات نموده است و معنای آن این است که بعدها حکومت همان گونه که روی مسجد النبی تسلط پیدا نمود و روی آن دست گذاشت تا بنی هاشم نتوانند در پناه آن به ترویج اهداف خود دست یازند . بلکه در این بین دختر رئیس حکومت (عائشه) ادعای تسلط و مالکیت حجره پیامبر را نمود و حکومت نیز آن را پذیرفته و دختر رسول خدا و حضرت علی را از خلع ید نمود و این در حالی است که حجره عائشه در منزل اختصاصی خود و در جهت دیگر مسجد یعنی جهت قبله مسجد بوده است .

و دلیل سکوت امیرالمومنین علی ابن ابی طالب علیهما السلام و اهل بیت علیهم السلام از تحریک مردم علیه حکومت در خصوص این موضوع دقیقاً همان موضعی است که در باره اصل خلافت و حکومت داشتند یعنی امر به صبر از جانب رسول خدا تا زمانی که فرزند قائمشان حجه بن الحسن علیه السلام ظهور فرماید و از آنچه که بر اجداد طاهری نشان رفته کشف اسرار نماید .

مناظره فضال با ابو حنیفه :

شاید بتوان یکی از ظریف ترین و در عین حال جامع ترین کلمات را در خصوص موضوع مورد بحث گفتگو و مناظره زیر که بین فضال از شاگردان مکتب امام صادق علیه السلام و ابو حنیفه صورت گرفته دانست که در آن به بهترین شکل بر غصبی بودن مکان دفن عمر و ابوبکر اشاره شده است :

هروی : أنه مر فضال بن المسن بن فضال الكوفي بأبي حنيفة وهو في جمع كثير ، يملی عليهم شيئاً من فقهه ومديته

فقال - لصاحب كان معه - : والله لا أبرح متى أفجل أبا حنيفة . فقال صاحبه الذي كان معه : إن أبا حنيفة ممن قد

علت ماله ، وظهرت مجته .

قال : صد ! هل رأيت مجيء ضال علت على مجيء مؤمن ؟ ! ثم دنا منه فسلم عليه ، فرد ورد القوم السلام بأجمعهم .

فقال : يا أبا منيفه أن أفا لي يقول : أن خير الناس بعد رسول الله على بن أبي طالب عليه السلام ، وأنا أقول أبو بكر

خير الناس وبعده عمر فما تقول أنت رممك الله ؟

فأطرق مليا ثم رفع رأسه فقال : كفى بمكانهما من رسول الله صلى الله عليه وآله كرما وفرا ، أما علمت أنهما

ضجيعاه في قبره ، فأى مجيء تريد أوضع من هذا ؟

فقال له فضال : إني قد قلت ذلك لأنى فقال : والله لئن كان الموضع لرسول الله صلى الله عليه وآله دونهما فقد

ظلما بدفنهما في موضع ليس لهما مق فيه ، وإن كان الموضع لهما فوهباه لرسول الله صلى الله عليه وآله لقد أساءا

وما أمسنا ، إذ رجعا في هبتهما ، ونسبنا عهدهما .

فأطرق أبو منيفه ساعة ثم قال له : لم يكن له ولا لهما خاصة ، ولكنهما نظرا في مق عائشه ومفصه فاستمقا الدفن

في ذلك الموضع بمقوق ابنتيهما .

فقال له فضال : قد قلت له ذلك فقال : أنت تعلم أن النبي مات عن تسع نساء ، ونظرنا فإذا لكل وامدة منهن تسع

الثلث ، ثم نظرنا في تسع الثمن فإذا هو شبر في شبر ، فكيف يستمق الرجلان أكثر من ذلك ، وبعد فما بال عائشه

ومفصه ترثان رسول الله صلى الله عليه وآله وفاطمه بنته تمنع الميراث ؟ !

فقال أبو منيفه : يا قوم نموه عنى فإنه رافضى فبيث .

روزی فضال بن مسن فضال کوفی به همراه یکی از دوستانش با ابومنیفه برفورد نمود درمالی که جمع کثیری از

شاگردانش در فقه و حدیث گردآورد او را گرفته بودند .

فضال به دوست همراهش گفت : والله دست از سر او بر نمی دارم مگر این که جلو رفته و او را سر افکنده نمایم .

دوستش به او گفت : تو که ابو منیفه را می شناسی و از جایگاه و منزلت علمی و توان امتحان او با خبری .

فضال گفت : ساکت شو ! هیچ دیده ای محبت گمراهی بر محبت مومن برتری و علو پیدا کند؟

فضال جلو رفت و سلاح کرد ، جمعیت حاضر نیز همه جواب سلام او را دادند .

فضال رو به ابو منیفه کرد و گفت : خدا رعمتت کند ! من برادری دارم که می گوید : بهترین فلق بعد از رسول خدا صلی

الله علیه وآله وسلم علی بن ابی طالب علیه السلام است اما من به او می گویم : این گونه نیست بلکه بهترین مردم

بعد از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم ابو بکر و بعد از او عمر است . شما نظرتان چیست ؟

ابو منیفه اندکی تأمل کرد و سپس سر بلند کرد و گفت : (به او بگو) در مکانت و منزلت و افتخار برای ابو بکر و عمر همین بس که آن دونفر در کنار قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم مدفونند (در مالی که علی بن ابی طالب فرستگ ها دور تر در نجف فاک شده است) آیا محبت و دلیل بر افضلیت و برتری آن دو بر علی از این بهتر ؟

فضال گفت : من همین نکته را به او گفته ام اما او در پاسخ من گفته : والله ! اگر برای مقانیت و منزلت آن دو به مکان دفنشان در کنار قبر پیامبر محبت می آوری باید بگویم : که آنها با دفن شدنشان در مکانی که هیچ مقی نسبت به آن نداشته اند در مقیقت به رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم ظلم نموده اند ، چرا که اگر آن مکان از خود ابوبکر و عمر بوده و آن را به رسول خدا هبه و هدیه نموده اند پس با دفن شدنشان در آن مکان کار خیلی زشتی کردند چون با این کار هدیه ای را که به آن مضرت بکشیدند را پس گرفتند و در آن تصرف نموده اند و این در مقیقت نوعی فلف وعده و شکستن پیمان ممسوب می گردد .

ابو منیفه دوباره مدتی را ساکت ماند و سر به زیر افکند و گفت : به برادرت بگو : این مکان نه برای آن دو نفر و نه برای رسول خدا بلکه با توجّه به مقی که مفضّه و عائشه در این زمین داشتند در این زمین دفن گردیده اند .

فضال به ابو منیفه گفت : (اتفاقاً) من همین مطلب را نیز به برادرم گفته ام اما او در پاسخ من گفت : تو می دانی که وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم از دنیا رفت صامب نه همسر بود و در مالی که هر یک از آن نه نفر نسبت به آن مکان یک هشتم بیشتر سهم الارث نداشته در نتیجه برای هر کدام یک وجب در یک وجب مسافت جا بیشتر نمی ماند . آن وقت چگونه آن دو نفر این مقدار مکان اضافه را اشغال و غصب نموده اند ؟

و آن گاه از سوی دیگر چه شده است که فاطمه زهرا سلام الله علیها دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم از پدرش ارث نمی برد ؟ (و ابوبکر به این بهانه که پیامبران از خود ارث به جا نمی گذارند مضرت فاطمه سلام الله علیها را از فدک محروم می کند) اما عائشه و مفضّه که همسران آن مضرت بودند ارث می برند .

ابو منیفه چون این مطالب را شنید به اطرافیاننش گفت : او را از من دور سازید که او خود رافضی فبیث می باشد

الفصول المختاره ، سید مرتضی ، ص 74 ، کنز الفوائد ، ابو الفتوح کراچی ، ص 135 - احتجاج طبرسی ج 2 ص 149 و ...